

## نظم امنیتی آسیای مرکزی بعد از ۲۰۲۱؛ ملاحظات راهبردی ایران

سیدحسین میرفخرائی<sup>۱</sup>

### چکیده

نظم امنیتی در آسیای مرکزی در طول یک دهه اخیر روند پایداری را در گذار به شرایط جدید طی کرده است. دو عامل تعیین کننده بعد از سال ۲۰۲۱ این روند را تسریع کرده‌اند. نخست، خروج نیروهای آمریکا از افغانستان که به سقوط دولت در این کشور و به قدرت رسیدن و تثبیت حضور طالبان منجر شد؛ و دوم، تهاجم نظامی روسیه به اوکراین که در سطح بین‌المللی ضریب تنش بین قدرت‌های بزرگ را افزایش داد و شرایطی که به جنگ سرد جدید تعبیر می‌شود را در محیط پیرامونی روسیه به وجود آورد. این شرایط باعث شد تا نظم امنیتی حاکم بر آسیای مرکزی در شرایط جدیدی شکل بگیرد. نظم امنیتی آسیای مرکزی در شرایط جدید چگونه بر منافع امنیتی جمهوری اسلامی ایران تأثیر خواهد گذاشت؟ فرضیه‌ای که در پاسخ به این سؤال مطرح می‌شود بر این گزاره استوار است که این شرایط با تشدید رقابت میان قدرت‌های بزرگ باعث کاهش ضریب امنیت در محیط پیرامونی ایران شده و از طریق تقویت جریان چندجانبه‌گرایی و تقویت رویکردهای موسع در نظم امنیتی جدید، باعث تقویت موقعیت امنیتی ایران می‌شود. در این مقاله از طریق روش پس‌کاوی با هدف کشف الگوهای نظام‌مند در دینامیسم‌های امنیتی آسیای مرکزی تلاش شده تا فرضیه اثبات گردد. مکتب کپنهاگ در رویکرد قیاسی به‌عنوان چارچوب مفهومی این پژوهش در نظر گرفته شده است.

### واژگان کلیدی:

آسیای مرکزی، نظم امنیتی، جمهوری اسلامی ایران، جنگ اوکراین، افغانستان.

درجه مقاله: علمی - پژوهشی

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۳/۰۲/۲۴

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۲/۱۱/۱۴

<sup>۱</sup>. دانشیار گروه روابط بین‌الملل دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، جمهوری اسلامی ایران. for501520@yahoo.com

## مقدمه

نظم‌های امنیتی روندهای پویایی هستند که رفتارهای امنیتی بازیگران مختلف را شکل می‌دهند و به‌ویژه قدرت‌های منطقه‌ای و بین‌المللی متأثر از تأثیرات و تأثرات از این نظم‌ها دکرترین امنیتی خود را تنظیم و تدوین می‌کنند. از این منظر تغییر این نظم‌های امنیتی در سطوح منطقه‌ای، بین‌منطقه‌ای و بین‌المللی می‌تواند یک شاخصه مهم و تأثیرگذار در تغییر ضریب امنیت و ناامنی کشورها محسوب شده و بازخوردهای رفتاری امنیتی را در بر داشته باشد. در این چارچوب به‌ویژه در حوزه اوراسیا و جنوب غرب آسیا دینامیسم‌های امنیتی (با تکیه بر رویکردهای موسع به امنیت) در شرف تغییر قرار گرفته‌اند. تغییرات و تحولات ژئوپلیتیکی، گذار به موقعیت‌های جدید ژئواکونومیکی با ظهور مقدورات و محذورات جدید، بحران‌های جدید زیست‌محیطی متأثر از تغییرات اقلیمی و متغیرهای درون‌منطقه‌ای، تغییر در نخبگان حاکم بر کشورها و تغییرات جدید در گرایش‌های اجتماعی - فرهنگی جوامع از جمله مهم‌ترین متغیرهای تأثیرگذار بر این نظم امنیتی محسوب می‌شوند.

در این میان منطقه آسیای مرکزی بخشی از ژئوپلیتیک منحصربه‌فرد هارتلند اوراسیایی است که چنین تجربه‌ای از تغییر نظم امنیتی را تجربه کرده است. این منطقه از این جهت که در همسایگی جمهوری اسلامی ایران واقع شده و سطح بالایی از پیوندهای تاریخی، فرهنگی، تمدنی و درعین‌حال ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیکی را با ایران به اشتراک می‌گذارد، اهمیت مضاعفی در سیاست خارجی و دکرترین امنیتی کشور ایفا می‌کند. آسیای مرکزی تقریباً بخش مهمی از متغیرهای تأثیرگذار فوق‌الذکر را در سطوحی قابل‌توجه در طول سال‌های اخیر پذیرفته است و از این حیث به نظر می‌رسد متأثر از دو تحول کلیدی و تأثیرگذار در حال تجربه نظم امنیتی جدیدی است. به قدرت رسیدن طالبان در افغانستان با سقوط دولت اشرف غنی، و وقوع جنگ اوکراین که پولاریزاسیون را در سطح نظام بین‌الملل و به‌ویژه اوراسیا به سطح بی‌سابقه‌ای رسانده است، دو عامل کلیدی و تأثیرگذار به‌عنوان کاتالیزور این تحولات در نظم امنیتی پویای آسیای مرکزی است. متعاقب این تحولات و هم‌تراز با تغییر نظم امنیتی منطقه، رفتارهای امنیتی بازیگران حاضر در این منطقه نیز تغییر خواهد کرد. این بازیگران شامل کشورهای این منطقه، قدرت‌های پیرامونی، بین‌المللی و منطقه‌ای نظیر چین، روسیه، ترکیه و هند و حتی قدرت‌های بین‌المللی نظیر ایالات متحده آمریکا و اتحادیه اروپا می‌شود. نتیجتاً پیوستگی‌های ایران و آسیای مرکزی منجر به شکل‌گیری یک مکانیزم تأثیرگذاری متقابل بر وضعیت امنیتی جمهوری اسلامی ایران و

حتی جنوب غرب آسیا شود و لذا، فهم و شناسایی این که متغیرهای تأثیرگذار بر این تغییر نظم شامل چه گزاره‌هایی می‌شود، در چه جهتی پیش می‌روند و این که چه چشم‌اندازی را در نظم امنیتی منطقه در آینده ایجاد می‌کنند، یک مسئله کلیدی محسوب می‌شود.

**روش پژوهش.** پژوهش حاضر با اتکاء به رویکردهای تلفیقی کمی و کیفی تلاش می‌کند تا به یک الگوی نظام‌مند از تغییرات مورد نظر دست یابد. از این رو ابتدا مبتنی بر یک چارچوب تئوریک بر اساس مکتب کپنهاگ و بر اساس استراتژی قیاسی داده‌های مورد نظر را جمع‌آوری کرده و سپس مبتنی بر روش پس‌کاوی الگوهای نظام‌مند در روندهای امنیتی مورد نظر استخراج می‌شوند. استراتژی پس‌کاوی از یک توالی منظم مشاهده شده آغاز می‌شود و در پی تبیین متفاوتی است. در این استراتژی تبیین زمانی به دست می‌آید که ساختار یا مکانیزم زیربنایی ایجادکننده نظم مشاهده شده شناسایی شود (سلیمی و دولتپاری، ۲۲۴-۲۲۳:۱۳۹۶). مبتنی بر این رویکرد پژوهشی، مقاله حاضر در پی پاسخ به این سؤال کلیدی است که گذار آسیای مرکزی به نظم جدید بعد از سال ۲۰۲۱ متأثر از چه متغیرهایی شکل گرفته است؟ فرضیه‌ای که در پاسخ به این سؤال مطرح می‌شود بر این امر استوار است که نظم جدید امنیتی آسیای مرکزی مبتنی بر متغیرهایی نظیر به قدرت رسیدن طالبان در افغانستان، پولاریزاسیون ناشی از جنگ اوکراین، گرایش به چندجانبه‌گرایی، پیامدهای زیست‌محیطی منطقه‌ای، گذار ژئواکونومیک در شرایط جدید و ظهور نسل جدید رهبران در دولت‌های منطقه شکل گرفته است. در ادامه تلاش می‌شود تا بر اساس روند تأثیرگذاری این متغیرها مدل نظم جدید امنیتی منطقه شناسایی شده و بایسته‌ها و ملاحظات راهبردی جمهوری اسلامی ایران استخراج شود.

**پیشینه پژوهش.** تاکنون برخی آثار و منابع به زبان‌های پارسی و انگلیسی در حوزه موضوعی مورد نظر به چاپ رسیده‌اند. محمدرضا دهشیری و سیدمهدی میرکاظمی در مقاله خود با عنوان «نقش افغانستان در پویش‌های مجموعه امنیتی آسیای مرکزی از ۲۰۰۰ تا ۲۰۲۰ میلادی» که سال ۱۴۰۰ در فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز به چاپ رسیده است، در آن مبتنی بر آموزه‌های نظریه مجموعه امنیت منطقه‌ای باری بوزان تأثیر تحولات افغانستان بر نظم امنیتی آسیای مرکزی بررسی می‌شود. نبی سنبلی نیز در مقاله خود با عنوان «ایران و محیط امنیتی آسیای مرکزی پس از ۱۱ سپتامبر» که سال ۱۳۸۱ در فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز به چاپ رسیده است مبتنی بر رویکرد ژئوپلیتیکی حضور آمریکا در آسیای مرکزی را مورد بررسی قرار داده و نظم امنیتی این منطقه را مبتنی بر منافع ایران بررسی

می‌کند. نوذر شفیعی در مقاله خود با عنوان «جنگ سرد جدید: تحلیلی بر نظم امنیتی در حوزه آسیا - پاسیفیک» که سال ۱۳۹۹ در مجله رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی به چاپ رسیده است، نظم امنیتی دوقطبی را در این مناطق شامل آسیای مرکزی مورد بررسی قرار می‌دهد. در منابع لاتین یک‌اترینا کلیمنکو<sup>۱</sup> در مقاله خود با عنوان «آسیای مرکزی به‌عنوان یک مجموعه امنیتی منطقه‌ای» که سال ۲۰۱۱ در مجله آسیای مرکزی و قفقاز چاپ شده ضمن بررسی آراء و نظریات بوزان، روندهای جدید امنیتی در آسیای مرکزی را بر اساس مدل مجموعه امنیتی منطقه‌ای تشریح و تبیین می‌کند. یک‌اترینا استفانوا<sup>۲</sup> در مقاله خود با عنوان «روسیه، آسیای مرکزی و تهدیدات غیرسنستی از افغانستان پس از خروج آمریکا» که سال ۲۰۲۲ در مجله سیاست جهانی به چاپ رسیده است، به بررسی تهدیدات نوظهور این منطقه متعاقب خروج نیروهای ائتلاف بین‌المللی از افغانستان پرداخته است. اکرم عمراف<sup>۳</sup> در مقاله خود با عنوان «آسیای مرکزی: ساخت یک مجموعه امنیتی منطقه‌ای جدید؟» که سال ۲۰۲۰ در مجله دیالوگ میان منطقه‌ای چاپ شده بسترهای شکل‌گیری مجموعه امنیتی جدید را در آسیای مرکزی متعاقب با تحولات افغانستان و طرح‌های آمریکا در منطقه مورد بررسی قرار می‌دهد. با وجود انتشار متعدد دیگر در این زمینه، آثاری که به قدرت رسیدن طالبان، خروج آمریکا از منطقه و به‌ویژه تحولات مرتبط با جنگ اوکراین را در نظم جدید امنیتی آسیای مرکزی از منظر مکتب کپنهاگ مورد بررسی قرار دهند تاکنون منتشر نشده و مقاله حاضر از این حیث حائز نوآوری پژوهشی است.

**چارچوب نظری.** مکتب کپنهاگ<sup>۴</sup> که مشتمل بر آثار و نوشته‌های چهره‌های مطرحی همچون باری بوزان<sup>۵</sup>، ال ویور<sup>۶</sup>، دو ویلد<sup>۷</sup> و دیگر نظریه‌پردازان امنیتی است، تنها رهیافتی است که صرفاً مبتنی بر مطالعات امنیتی بوده و جزو اولین رهیافت‌هایی است که در راستای پایه‌گذاری جایگاهی مستقل برای مطالعات امنیتی قرار گرفته است. مکتب کپنهاگ تلاش نموده تا مطالعات امنیتی را از مطالعات راهبردی تفکیک کرده و آن را ذیل روابط بین‌الملل و مطالعات راهبردی را ذیل مطالعات امنیتی قرار دهد. این مکتب امنیت را از جنبه‌های گوناگون مورد مطالعه قرار داده، اما در برخی جنبه‌ها بیشتر متمرکز شده و مبتکر آن نیز بوده است. طرح

1. Ekaterina Klimenko

2. Ekaterina Stepanova

3. Akram Umarov

4. Copenhagen School

5. Barry Buzan

6. Ole Waver

7. De wild

امنیت موسع در مقابل امنیت مضیق<sup>۱</sup> یکی از این رویکردها است که به منظور توسعه ابعاد امنیت طرح شده است. یکی دیگر از مهم‌ترین مسائلی که این مکتب مطرح می‌کند، مفهوم امنیتی ساختن<sup>۲</sup> است که بیشتر توسط بوزان و ویور مورد بررسی و تعمق قرار گرفته است (عبداله‌خانی، ۱۳۸۹: ۱۱۹-۱۲۰). همین نگاه چندوجهی و موسع نیز منجر به قابلیت‌های تحلیلی و تبیینی بالاتر این رویکرد تئوریک به‌عنوان یک چارچوب مفهومی امنیتی شده است.

امنیت در مکتب کپنهاگ به‌عنوان یک وضعیت استثنائی<sup>۳</sup> تلقی می‌شود که متأثر از برداشت‌های واقع‌گرایانه است. این پیش‌فرض آن‌ها را به این سمت سوق می‌دهد که تهدیدات امنیتی همیشه ماهیتی وجودی برای بقای یک مرجع خاص محسوب می‌شوند که نه تنها می‌تواند دولت، قلمرو و یا جمعیت باشد، بلکه همچنین شامل هویت، فرهنگ، ثبات سازمانی، نظم اجتماعی، محیط زیست، و یا بازار و نظام مالی می‌شود (Stritzel, 2014:15). همین وضعیت نیز در مفهوم‌سازی امنیتی‌سازی باعث می‌شود تا این مکتب رویکردهای نواقع‌گرایانه به امنیت را بسط داده و امنیت را فراتر از صرف مسائل نظامی و نظامی‌گری تشریح کند. همچنین چهره‌هایی همچون بوزان امنیت را چندبعدی و چندوجهی تعریف کرده و متعاقب آن تهدیدات و رفتارهای امنیتی را نیز چندوجهی تعریف می‌کند و اولین تمایز جدی این مکتب از مطالعات سنتی امنیتی آشکار می‌گردد. به بیان دیگر موضوعاتی همچون اقتصاد، فرهنگ و محیط زیست در فرایند امنیتی‌سازی به پدیده‌های امنیتی تبدیل شده و در یک دینامیسم پیچیده و تعاملی با موضوعات امنیتی سنتی، یک مدل رفتاری امنیتی را مبتنی بر گزاره‌هایی که تا پیش‌از این غیرامنیتی خوانده می‌شدند، نتیجه می‌دهد. در عین حال با فرایند امنیتی‌سازی، حیطه کارکردهای دولت در سطوح غیرامنیتی کاهش یافته و ابعاد عمیق‌تری در حوزه‌های امنیتی کارکردی را شاهد هستیم.

یکی از دیگر وجوه بارز مکتب کپنهاگ سطح تحلیل آن است. بوزان و همکارانش با تمرکز بر امنیت منطقه‌ای مطالعات خود را با تمرکز بر این واقعیت آغاز کردند که پایان جنگ سرد سبب آغاز ناامنی‌های گسترده‌ای شد که ریشه در محدودیت‌های مکاتب واقع‌گرا (با تلقی دولت به‌عنوان یگانه موضوع امنیت) و مکتب جهان‌گرا (با تلقی نظام بین‌المللی به‌عنوان یگانه عامل امنیت) و غفلت از کانون تکوین حرکت‌های اصلی منطقه دارد. از نظر بوزان و ویور آینده سیستم بین‌المللی تابعی از شیوه قدرت در سطوح منطقه‌ای است؛ لذا،

1. Wide versus Narrow

2. Securitization

3. State of exception

این مناطق هستند که منظومه‌های قدرت را شکل می‌دهند. منظور این نظریه‌پردازان از منظومه قدرت، نوعی توجه محوری به نقش مناطق و اهمیت ژئوپلیتیک آن‌ها در منظومه قدرت جهانی است (ابراهیمی، ۱۳۸۶:۴۵۱). این تحلیل امنیتی چند دهه پس از آن و به‌ویژه با پایان جنگ سرد و افول تدریجی هژمونی آمریکا طرفداران بیشتری یافت. بالا آمدن قدرت‌های نوظهور منطقه‌ای نظیر چین و برزیل و نیز اجبار آمریکا به اتخاذ سیاست موازنه دور از ساحل<sup>۱</sup> همگی نشانه‌هایی از تقویت موقعیت این رویکرد در مکاتب امنیتی مدرن است.

### ۱. نظم امنیتی پسا شوروی

نظم امنیتی پسا شوروی در آسیای مرکزی عموماً از طریق رویکردهای امنیتی سنتی و به طور عمده مبتنی بر واقع‌گرایی تحلیل و تشریح شده است. به دلیل بحران‌های امنیتی حاد و نیز شرایط سخت رقابت و توازن امنیتی در این منطقه، رویکردهای مدرن و انتقادی اعم از مکتب کپنهاگ در این دوره کمتر مورد توجه بودند. با تثبیت دولت‌های آسیای مرکزی در دهه ۱۹۹۰ بسیاری از نظریه‌پردازان مطرح شروع به ارزیابی و مدل‌سازی نظم امنیتی آسیای مرکزی متأثر از شرایط پسا شوروی کردند. در این دوره شیرین هانتر<sup>۲</sup> به‌عنوان یکی از مطرح‌ترین نظریه‌پردازان، نظم امنیتی آسیای مرکزی را متأثر از شش عامل کلیدی ارزیابی می‌کند. نخست، میراث ناشی از دولت - ملت‌سازی شوروی برای این جمهوری‌ها؛ دوم، میراث دوره جنگ سرد که مهم‌ترین برونداد آن مناقشه افغانستان و روسیه (اشغال افغانستان توسط ارتش سرخ) بود که از طریق ایجاد یک محیط خارجی بر بنیادگرایی اسلامی تأثیر می‌گذاشت؛ سوم، دینامیسم‌های منطقه‌ای و بین‌المللی پسا شوروی که مهم‌ترین مشخصه آن رقابت میان حوزه‌های همسایگی آسیای مرکزی بود؛ چهارم، ظهور اسلام به‌عنوان یک نیروی فرهنگی و سیاسی در منطقه که ریشه‌های عمیقی در هویت‌های فردی و جمعی آسیای مرکزی داشت؛ پنجم، افزایش اقتدارگرایی ناشی از رادیکالیزه‌شدن<sup>۳</sup> بخش‌هایی از این منطقه؛ و ششم، نیروهای خارجی که در رشد اسلام‌گرایی رادیکال برای پیشبرد اهداف خود بهره می‌گرفتند (Hunter, 2001:84-85). این مؤلفه‌ها در دهه ۱۹۹۰ میلادی نقش بسیار مهمی تثبیت شرایط داخلی این کشورها و چگونگی شکل‌گیری سیاست خارجی و دکتورین امنیتی آن‌ها داشتند. روسیه در این دوره نقش بسیار مهمی در منطقه ایفا

<sup>۱</sup>. Off shore balancing

<sup>۲</sup>. Shireen T. Hunter

<sup>۳</sup>. Radicalization

می‌کرد و در این دوره بسیاری از روندهای امنیتی منطقه‌ای و حتی پویایی‌های (دینامیسم‌های<sup>۱</sup>) سیاسی از مسکو طراحی و اجرا می‌شد.

این نظم اما با تحولات بعد از ۱۱ سپتامبر سال ۲۰۰۱ دستخوش برخی تغییرات شد. حمله نظامی آمریکا و ائتلاف بین‌المللی به افغانستان محیط امنیتی منطقه را در یک فضای عدم قطعیت قرار داد که به مرور با حضور نظامی آمریکا در منطقه و نیز ظهور چشم‌اندازهای همکاری بیشتر با آسیای جنوبی تقویت شد. در اواسط دهه ۲۰۰۰ و زمانی که آمریکا اعلام کرد القاعده و طالبان را در افغانستان شکست داده، به نظر می‌رسید که اصلی‌ترین تهدید کشورهای آسیای مرکزی از میان رفته باشد. با این حال به زودی مشخص شد که طالبان در حال بازیابی قوای خویش جهت دسترسی به زمین‌های جدید در جنگ است (Aben, 2019:53). با این حال این روند که به افزایش ارتباطات میان منطقه‌ای آسیای مرکزی تبدیل شد، با حضور و حمایت آمریکا در طول بیش از یک دهه به طول انجامید و نوعی ثبات نسبی را به وجود آورد. در عین حال روسیه پس از یک ظهور مجدد در دوره ریاست جمهوری ولادیمیر پوتین، دوره‌ای از رکود را در نتیجه استقرار نظامی آمریکا در این منطقه تجربه کرد که با به قدرت رسیدن مجدد ولادیمیر پوتین در سال ۲۰۱۲ پایان یافت. از این سال و هم‌زمان با خروج تدریجی آمریکا از پایگاه‌های نظامی در منطقه به ترتیب از ازبکستان و قرقیزستان (Namatbekova & Saliev, 2021:876)، تحولات جدیدی متأثر از انقلاب‌های رنگی در منطقه و به‌ویژه تحولات اوکراین شکل گرفت. این تحولات بعد از حدود یک دهه به تحولات جدیدی منجر شد که ظهور نخستین نشانه‌های جدی آن را می‌توان با خروج آمریکا از افغانستان و به قدرت رسیدن طالبان در این کشور و تشدید تنش‌ها حول اوکراین با آغاز جنگ در این کشور از فوریه ۲۰۲۲ در نظر گرفت. این وضعیت به‌عنوان کاتالیزور به شکل‌گیری متغیرهای جدیدی در نظم امنیتی منطقه منجر شد که با اعمال پیچیدگی مضاعف، قابلیت‌های جدیدی برای تحلیل از منظر رویکردهای موسع نظیر مکتب کپنهاگ جهت ارزیابی آن به وجود آورد.

## ۲. متغیرهای گذار به نظم امنیتی جدید

تحولات جدید منطقه‌ای، بین منطقه‌ای و بین‌المللی تأثیرات عمیقی را بر آسیای مرکزی گذارده‌اند که از منظر مکتب کپنهاگ می‌توان متغیرهای گذار به نظم امنیتی جدید را متأثر از آن‌ها استخراج نمود. مهم‌ترین متغیرها به شرح ذیل قابل دسته‌بندی هستند.

<sup>۱</sup>. Dynamisms

**تثبیت موقعیت طالبان در افغانستان:** ایده خروج نیروهای آمریکایی و ائتلاف بین‌المللی از افغانستان در دولت دونالد ترامپ آغاز شد. در حالی که ترامپ شمار نیروهای آمریکایی حاضر در افغانستان را از ۱۱ هزار سرباز به ۱۴ هزار نفر در سال ۲۰۱۷ افزایش داد، از اواخر سال ۲۰۱۹ به دلیل عدم دریافت نتایج رو به رشد محسوس تصمیم خود را برای خروج از افغانستان اعلام کرد. در فوریه ۲۰۲۰ دولت ترامپ به یک توافق با طالبان در دوحه دست یافت که تصمیم به خروج تمام نیروهای خارجی از افغانستان در آن گنجانده شده بود (Maulida, 2023:12). در نهایت دولت بایدن به طور رسمی در سال ۲۰۲۱ تصمیم آمریکا برای خروج نیروهای نظامی از افغانستان را اعلام می‌کند و متعاقب آن شاهد سقوط دولت اشرف غنی در افغانستان و به قدرت رسیدن طالبان در این کشور بودیم.

طالبان پس از قدرت‌یابی دوباره، سریعاً نظامی را که پیش از حمله نظامی آمریکا به افغانستان در این کشور حاکم بود، مجدداً برقرار ساخت (Hamdani & Tanto, 2023:170). این وضعیت پیامدهای امنیتی زیادی را برای آسیای مرکزی در بر داشت. نخست، یک خلاء امنیتی در افغانستان به وجود آمد که به گروه‌های تروریستی اجازه می‌داد در این کشور فعالیت کنند. دوم، تنش‌ها با طالبان افغانستان را در شرف یک جنگ داخلی قرار داد که کماکان به دلیل عدم تحقق دولت فراگیر محتمل است. سوم، خروج آمریکا بازی بزرگ جدید در ژئوپلیتیک آسیای مرکزی را تشدید کرد (Nasimov, 2022:266-267). با وجود این، با گذشت دو سال به نظر می‌رسد دولت‌های آسیای مرکزی حضور طالبان در راس قدرت را پذیرفته و به مرور تعاملات رسمی خود را در شرایط امنیتی جدید آغاز کرده‌اند. پذیرش طالبان به‌عنوان یک واقعیت اجتناب‌ناپذیر در مرزهای جنوبی و عبور از شرایط هیجانی بعد از سال ۲۰۲۱ به مرور باعث شده تا کشورهای آسیای مرکزی با همکاری شرکای منطقه‌ای و بین‌المللی دکتترین امنیتی جدید خود را مبتنی بر تعامل با طالبان و مهار پیامدهای حضور این گروه در قدرت در افغانستان تنظیم کنند. برخی کشورها همچون تاجیکستان رویکردی محافظه‌کارانه داشته و برخی بازیگران همچون ازبکستان و ترکمنستان شرایط ژئواکونومیک جدید منطقه تحت امنیت برقرار شده توسط طالبان را مد نظر قرار داده‌اند.

**جنگ اوکراین:** آغاز فرایند جنگ اوکراین درحقیقت از سال ۲۰۱۴ و به‌ویژه پس از اشغال کریمه به وقوع پیوست. با این حال سطح پایین‌تر تنش‌ها بین روسیه و غرب و محدود شدن این تقابل به‌طور عمده به حوزه تحریم‌های اقتصادی، سطح تأثیرگذاری اوکراین بر نظم امنیتی آسیای مرکزی محدود بود. تحرکات ناتو در اوکراین روسیه را به سمت یک جنگ

تمام عیار سوق داد که در فوریه ۲۰۲۲ آغاز شد. همانطور که میرشایمر<sup>۱</sup> نیز تاکید می‌کند نگاه روسیه از جنگ اوکراین برهم خوردن توازن قدرت در محیط پیرامونی خود بود که با تحرکات ناتو در شرف وقوع بود. به گفته وی «قدرت‌های بزرگ همیشه نگران توازن قوا هستند و زمانی که قدرت‌های بزرگ دیگر به سمت درب‌های خانه‌شان می‌روند، عقب می‌نشینند» (Cafruny et al, 2023:5). جنگ فوریه ۲۰۲۲ شرایط منطقه‌ای را در آسیای مرکزی متأثر از فضای بین‌المللی به طور جدی متحول ساخت. این مناقشه دوره جدیدی از رقابت قدرت و مناقشات ژئوپلیتیکی را میان قدرت‌های بزرگ به وجود آورد که دامنه آن در تمام مناطق گسترش یافت. همچنین این جنگ عمده پلتفرم‌های همکاری را بین روسیه و غرب از میان برداشت و برای اولین بار بعد از جنگ جهانی دوم قدرت‌های بزرگ در یک مناقشه اروپایی درگیر شدند (Davis & Slobodchikoff, 2023:35-36).

در آسیای مرکزی متأثر از این رقابت چند نگرانی وجود داشت که به طور مستقیم بر رفتارهای امنیتی بازیگران این منطقه تأثیر گذاشت. نخست، حساسیت شدید روسیه از تکرار سناریوی مشابه اوکراین در آسیای مرکزی توسط ایالات متحده آمریکا و غرب که می‌توانست پاسخ‌های امنیتی مسکو را در بر داشته باشد. دوم، تلاش غرب برای ایجاد بی‌ثباتی در آسیای مرکزی به نحوی که مهم‌ترین نقطه از ژئوپلیتیک اوراسیایی روسیه دچار بی‌ثباتی شود. سوم، پرهزینه شدن توازن میان قدرت‌های بزرگ و عدم قطعیت در اقدامات امنیتی و غیرامنیتی آن‌ها با محوریت آسیای مرکزی. این شرایط برون‌دادهای بسیاری همچون ظهور چندجانبه‌گرایی<sup>۲</sup> در دکترین امنیتی کشورهای آسیای مرکزی، افزایش استقلال آن‌ها از روسیه، محافظه‌کاری در روابط با آمریکا و حتی تغییر روندهای تأمین تسلیحات و همکاری‌های دفاعی در این منطقه شد.

**گذار ژئواکونومیک:** یکی از جنبه‌های طرح ایده «بازی بزرگ جدید»<sup>۳</sup> در آسیای مرکزی ژئواکونومی این منطقه بود که رقابت میان قدرت‌های بزرگ<sup>۴</sup> را در این منطقه به وجود آورد. قدرت‌های بزرگ مدرن از جمله ایالات متحده آمریکا، چین، روسیه و قدرت‌های منطقه‌ای همچون ایران، پاکستان، هند و ترکیه به دنبال نفوذ، دستیابی به منابع و تقویت موقعیت ژئواکونومیک خود به آسیای مرکزی جلب شدند. قدرت‌های رقیب همچون چین و روسیه مقابله مشترک با هژمونی آمریکا را از طریق اقتصاد و ژئواکونومی آغاز کردند و آمریکا

1. Mearsheimer

2. Multilateralism

3. New Great Game

4. Great Power Competition

نیز مشارکت راهبردی خود در منطقه را بر مبنای ژئواکونومی تعریف کرد. این امر از طریق تعریف ابتکار جاده ابریشم جدید<sup>۱</sup> انجام گرفته است (Farhadi, 2021:31). بعد از جنگ اوکراین این رقابت به اوج خود رسیده است. جنگ اوکراین آسیای مرکزی را در میان تنش‌های بیشتری بین قدرت‌های بزرگ قرار داد که فشار مضاعفی را به آن‌ها وارد آورد. باین حال از سوی دیگر این امر به تقویت جایگاه آسیای مرکزی در سیاست خارجی این کشورها نیز منجر شد. تحریم‌های روسیه باعث شد تا بسیاری از شرکت‌های غربی از روسیه به این کشورها منتقل شوند و حجم تجارت آن‌ها با روسیه و نیز غرب افزایش یابد. بر اساس گزارش بانک اروپایی توسعه و بازسازی اقتصاد کشورهای آسیای مرکزی در سال ۲۰۲۳ معادل ۵.۲ درصد رشد کرد و این رشد در سال ۲۰۲۴ به ۵.۴ درصد می‌رسد (Huasheng, 2023:143-144). برونداد این موضوع تغییر روندهای ژئواکونومیک منطقه‌ای به‌ویژه در حوزه ترانزیت بود.

تحریم روسیه تجارت چین و اروپا را با مشکلات عدیده مواجه کرد و ژئواکونومی محصور در خشکی آسیای مرکزی را با محدودیت‌های بیشتر مواجه نمود. راهبرد غرب در کاهش وابستگی آسیای مرکزی به روسیه، تلاش عمل‌گرایانه چین برای انعطاف در کمربند و جاده و بازگشایی مسیرهای تجاری جدید و به‌ویژه الزام ژئواکونومیک کشورهای منطقه برای تجارت بین‌المللی این کشورها را به توسعه همکاری‌های سیاسی با محوریت ژئواکونومی هدایت کرد. جذب سرمایه‌گذاری خارجی برای توسعه کریدورهای جدید نظیر کریدور میانی از جمله نتایج این رویکرد بود. به‌عنوان یک نمونه قزاقستان تلاش‌های عمل‌گرایانه‌ای در این زمینه صورت داده است. توسعه پروژه‌هایی همچون کریدور غرب اروپا - غرب چین و توسعه زیرساخت‌های ترانزیتی در خزر از جمله این اقدامات محسوب می‌شود (Bespalyy, 2023:769). این رویکرد از سوی کشورهای این منطقه و نیز قدرت‌های بزرگ و بازیگران منطقه‌ای به یک گذار ژئواکونومیک در میان‌مدت تبدیل می‌شود که از منظر مکتب کپنهاگ نقش به‌سزایی در امنیت منطقه‌ای آسیای مرکزی ایفا خواهد کرد. این موضوع به‌ویژه برای منطقه‌ای برخوردار از منابع غنی هیدروکربنی و محصور در خشکی ابعاد امنیتی گسترده‌تری خواهد داشت.

**تحولات زیست‌محیطی:** آسیای مرکزی از جمله مناطق آسیب‌پذیر به لحاظ زیست‌محیطی محسوب می‌شود و از این حیث موضوعات زیست‌محیطی به‌ویژه در رویکردهای جدید دولت‌ها تأثیر مهمی در سیاست‌گذاری امنیتی دارد. فاجعه خشک‌شدن دریاچه آرال

<sup>۱</sup>. New Silk Road Initiative

که به فاجعه زیست‌محیطی قرن مشهور شده، یکی از موضوعات جدی در آسیای مرکزی است. بر اساس برآوردهای کارشناسان محیط‌زیست این دریاچه با روند سریعی به سمت کاهش سطح آب و خشک شدن کامل پیش می‌رود و پیش‌بینی می‌شود این خشک شدن بحران‌های سلامت، اجتماعی و به‌ویژه اقتصادی را در منطقه به وجود آورد (Gupta, 2020:162). این بحران زمینه‌ساز همگرایی بیشتر بین دولت‌های منطقه با هدف رسیدگی به پیامدهای آن شده است. در همین حال بحران آب نیز در آسیای مرکزی به‌عنوان یک پیامد زیست‌محیطی در طول سال‌های اخیر و به‌ویژه پس از ۲۰۱۷ مورد توجه جدی قرار گرفته است. در حالی که مشکلات با ازبکستان به‌عنوان کشور قدرتمند پایین دست به نحوی حل شده، مسائل جدید با افغانستان تحت حکومت طالبان آغاز شده است. احداث کانال قوش‌تپه<sup>۱</sup> بر روی رودخانه آمودریا در شمال افغانستان توسط طالبان نگرانی‌های جدی را برای کشورهای آسیای مرکزی نظیر ازبکستان و ترکمنستان به وجود آورده است. این موضوع می‌تواند باعث تشدید وضعیت خشکسالی و کمبود منابع آبی در این کشورها شود (Pantucci, 2023:3).

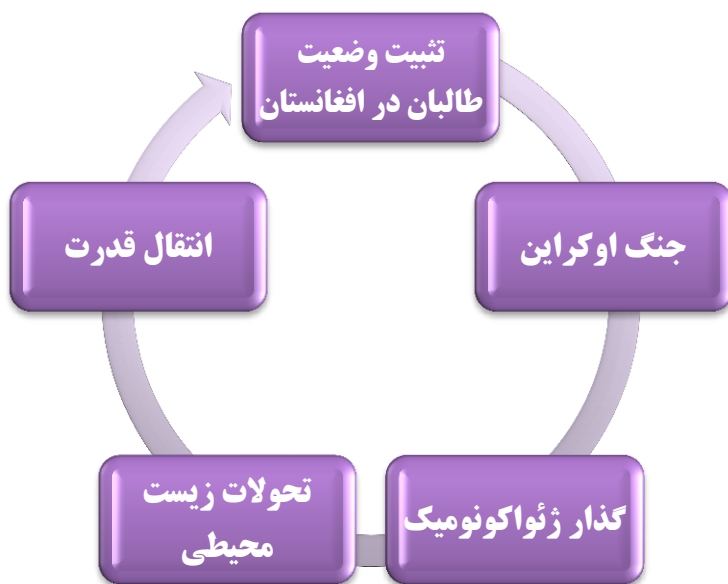
درعین حال کشورهای آسیای مرکزی با توجه به تغییرات آب‌وهوایی و عضویت در کنوانسیون‌های بین‌المللی زیست‌محیطی، گام‌های بزرگی برای گذار به انرژی سبز و کاهش وابستگی به منابع هیدروکربنی برداشته‌اند. کشورهای همچون تاجیکستان و قرقیزستان سهم تولید برق از نیروگاه‌های هیدروالکتریکی را افزایش داده‌اند. کشورهای همچون قزاقستان نیز سرمایه‌گذاری قابل توجهی در حوزه انرژی هیدروژنی داشته و شرکای بزرگ بین‌المللی نیز در این زمینه گرفته‌اند. کشورهای همچون ازبکستان نیز با توسعه نیروگاه‌های بزرگ خورشیدی و بادی با سرمایه‌گذاری کشورهای عربی گام‌های جدی در این زمینه برداشته‌اند. همچنین دو کشور ازبکستان و قزاقستان تصمیمات نهایی خود برای ساخت اولین نیروگاه‌های هسته‌ای پسا شوروی را گرفته‌اند. در سال ۲۰۱۹ ولادیمیر پوتین پیشنهاد ساخت این نیروگاه را به قزاقستان داد. همچنین در سال ۲۰۱۸ توافق ازبکستان و روسیه برای ساخت یک نیروگاه ۲.۴ گیگاواتی به دست آمد (Howiea, Yesdauletovb & Dyussenovc, 2020:2). این رویکردهای زیست‌محیطی به‌مرور در میان‌مدت به تغییر در دینامیسم‌های سیاسی منطقه‌ای در چارچوب همگرایی و یا واگرایی شده و بدین ترتیب می‌تواند تأثیر بسزایی در نظم امنیتی جدید منطقه داشته باشد.

<sup>۱</sup>. Qosh Tepa

**انتقال قدرت:** جیمز روزنا در نظریه پیوستگی خود پنج متغیر کلیدی را به‌عنوان عوامل تأثیرگذار بر سیاست خارجی کشورها در نظر می‌گیرد که عبارت‌اند از فرد، نقش، حکومت، جامعه و محیط. در متغیر فردی او به خصوصیات منحصر به فرد تصمیم‌گیرندگان و نخبگان اشاره می‌کند که به طور مستقیم بر سیاست خارجی کشورها تأثیر می‌گذارد. به گفته وی این متغیرها تمام جنبه‌های تصمیم‌گیرندگان یعنی ارزش‌ها، استعدادها و تجربیات پیشین آن‌ها را شامل می‌شود (نجفی و اجتهادی، ۲۳۵:۱۴۰۲).

در این میان این گزاره نیز مورد توافق است که به هر میزان اقتدارگرایی در کشورها افزایش یافته و سطح دموکراسی تنزل پیدا کند، متغیر فردی تأثیرگذاری بیشتری خواهد یافت. این موضوع به‌ویژه برای کشورهای آسیای مرکزی که گردش قدرت در آن‌ها به‌ندرت انجام می‌گیرد و سطح بالایی از اقتدارگرایی در آن‌ها حاکم است، صدق می‌کند. از سال ۲۰۲۱ به بعد شاهد حضور ۴ رهبر جدید در ۵ جمهوری آسیای مرکزی بوده‌ایم. در قزاقستان اولین بار از سال ۲۰۱۹ شاهد انتقال قدرت بودیم و در ازبکستان نیز کمی قبل‌تر در سال ۲۰۱۷ اولین بار بعد از ۱۹۹۲ انتقال قدرت انجام گرفت. در ترکمنستان نیز بعد از اولین قدرت در سال ۲۰۰۶، دومین انتقال قدرت در سال ۲۰۲۲ صورت پذیرفت. در قرقیزستان اگرچه انتقال قدرت بیش از سایر کشورها انجام گرفته بود، باز هم شاهد انتقال قدرت در قالب انقلابی جدید در سال ۲۰۲۱ بودیم. نسل جدید رهبران کشورهای این منطقه در کنار شرایط و تحولات جدید رویکردهای جدید امنیتی را نیز در این منطقه حاکم ساخته است. تمامی این رهبران پس از تثبیت قدرت در سال‌های اول و دوم، به‌مرور رویکردهای امنیتی خود را در کشورها حاکم ساخته‌اند. به طور ویژه در رویکردها و روندهای همگرایانه منطقه‌ای این کشورها این تغییر محسوس بوده است. بدین ترتیب می‌توان انتظار داشت با حاکم شدن رویکردهای مدرن‌تر امنیتی رهبران جوان‌تر و درواقع نسل جدید رهبران پسا شوروی که ذهنیت آن‌ها متمایز از دوره جنگ سرد است، ترتیبات امنیتی جدیدی نیز بر این کشورها حاکم شود.

شکل ۱: متغیرهای کلیدی تأثیرگذار بر نظم امنیتی جدید در آسیای مرکزی مبتنی بر مکتب کپنهاگ (بعد از سال ۲۰۱۵)



(منبع: یافته‌های پژوهشگر)

### ۳. ویژگی‌های نظم جدید

متغیرهای فوق‌الذکر مبتنی بر رویکردهای مدرن امنیتی نظیر مکتب کپنهاگ ویژگی‌های جدیدی به نظم امنیتی منطقه آسیای مرکزی اعطا کرده‌اند که مهم‌ترین آن‌ها را می‌توان به شرح ذیل تقسیم‌بندی نمود:

**امنیتی‌سازی مدرن:** امنیتی‌سازی در مکتب کپنهاگ روندی است که طی آن یک بازیگر مسئله یا پویش یا بازیگر خاصی را به‌عنوان تهدید وجودی برای هدف مرجع خاص اعلام می‌کند. اگر مخاطبان این اعلام را بپذیرند این امکان فراهم می‌شود که سیاست عادی به حالت تعلیق در آید و در پاسخ به بحران احساس شده، اقدامات اضطراری در پیش گرفته شود. به دیگر سخن، امنیتی‌سازی را می‌توان فرایند قرار دادن مسئله‌ای خاص با توسل به کنش گفتاری<sup>۱</sup> (معمولاً توسط رهبران سیاسی) در قلمرو امنیتی (از طریق تهدید جلوه دادن آن) دانست (زارع‌زاده ابرقویی، ۱۳۹۶: ۱۰۳). در نظام‌های اقتدارگرای سنتی آسیای مرکزی

<sup>۱</sup>. Speech Act

در بازه پس از فروپاشی شوروی، رهبران این جمهوری‌های تازه استقلال یافته به طور مکرر از فرایندهای امنیتی‌سازی برای تثبیت موقعیت خود در قدرت استفاده می‌کردند. این موضوعات اساساً محورهایی را در بر می‌گرفت که به نحوی قدرت نخبگان حاکم و اقتدارگرایی موجود را تهدید می‌کرد. به‌عنوان یک نمونه «اسلام» از جمله مؤلفه‌هایی بود که ماهیت سکولار و رویکردهای اقتدارگرایانه این دولت‌ها را تهدید می‌کرد و باعث شد تا امنیتی‌سازی اسلام نه‌تنها در یک کنش گفتاری، بلکه در فرایندهای سیاسی مرتبط با آن نیز اعمال شود (Shukuratieva & Lipiński, 2021:107). با این حال دو تفاوت عمده در روندهای جدید امنیتی‌سازی در کشورهای منطقه به وجود آمده است که به‌واسطه حضور نسل جدید رهبران است. نخست، بیش از تمرکز بر کنش‌های گفتاری و تأکید بر کیش شخصیتی رهبران سیاسی، مدل‌های مبتنی بر کنش‌گفتمانی در این کشورها در دستور کار قرار گرفته است. این کنش‌های گفتمانی امنیتی‌سازی را در خلال فرایندهای پیچیده‌تر و ذیل گفتمان‌های کلان پیشرفت، توسعه و ثبات تعریف می‌کنند. دوم، موضوعات امنیتی در حالی که تا پیش از این به مسائل محدودی و مضیقی همچون تروریسم افراط‌گرا، جدایی‌طلبی، دشمن بیرونی و مسائلی از این دست محدود می‌شد، در رویکردهای مدرن به مسائل موسعی نظیر محیط زیست، موضوعات اجتماعی، موقعیت ژئواکونومیک و حتی مسائل فرهنگی و هویتی تعمیم داده شده است.

**گذار به مجموعه امنیت منطقه‌ای قدرت بزرگ<sup>۱</sup>:** به نظر می‌رسد آسیای مرکزی که تا پیش‌ازاین بخشی از مجموعه امنیتی استاندارد اوراسیایی محسوب می‌شد، در حال گذار به وضعیت مجموعه امنیتی قدرت‌های بزرگ به‌صورت مستقل است. در چنین مجموعه‌ای قطبش (پولاریزاسیون<sup>۲</sup>) منطقه با بیش از یک قدرت سطح جهانی (درون منطقه‌ای) تعریف می‌شود. چنین مجموعه‌هایی به دو دلیل با سایر مجموعه‌های امنیتی متفاوت‌اند: اول آن که پویش‌های آن‌ها مستقیماً محاسبات مربوط به توازن در سطح جهانی را تحت‌تأثیر قرار می‌دهند؛ و دوم آنکه، چون قدرت‌های بزرگ خود درگیر مسائل امنیتی مجموعه‌های امنیتی منطقه مورد نظر هستند، انتظار می‌رود پویش‌های امنیتی منطقه مذکور به مناطق هم‌جوار نیز سرایت کند و شدت تعاملات بین منطقه‌ای بیش از حد معمول گردد (عبداله‌خانی، ۱۳۸۹:۲۹۱). در آسیای مرکزی در بازه بعد از سال ۲۰۲۱ هم‌زمان با تشدید قطبش (پولاریزاسیون<sup>۳</sup>) در سطح نظام بین‌المللی شاهد مشارکت ارتقاء یافته در این منطقه بین قدرت‌های بزرگ بوده‌ایم و این دینامیسم بازیگری ماهیت تدافعی (برای روسیه و چین)،

<sup>۱</sup>. Great Power Regional Security Complex

<sup>۲</sup>. Polarization

<sup>۳</sup>. Polarization

ماهیت تهاجمی (برای ایالات متحده آمریکا و اتحادیه اروپا) و ماهیت رقابتی (بین روسیه و چین) یافته است. این وضعیت نگاه‌های پیشین برای ارتقاء آسیای مرکزی به‌عنوان یک مجموعه امنیتی استاندارد را با عدم قطعیت جدی مواجه کرده است.

**چندجانبه‌گرایی در مقابل امنیتی‌سازی اوراسیایی:** یکی از روندهایی که از سال ۲۰۱۴ به بعد از سوی روسیه در کل منطقه اوراسیا در پیش گرفته شده، فرایند امنیتی‌سازی اوراسیایی است. در این فرایند سازمان‌ها و نهادهای امنیتی منطقه‌ای و بین‌المللی دخیل بوده و به طور محسوس با مداخلات نظامی سازمان پیمان امنیت دسته‌جمعی در بحران‌های داخلی شناخته می‌شود. بی‌ثباتی‌های قزاقستان در ژانویه ۲۰۲۲ مهم‌ترین نشانه در این روند محسوب می‌شود. دومین فاکتور برای این روند آغاز عملیات ویژه روسیه در اوکراین است که فرایند امنیتی‌سازی اوراسیایی را توسط روسیه تشدید کرد (Giommoni, 2022:120-122). مدل‌های رفتاری روسیه نیز شامل تلاش برای مشارکت دادن کشورهای آسیای مرکزی در جنگ اوکراین، تشدید حساسیت‌ها نسبت به تحرکات غرب، بزرگ‌نمایی در تهدیدات با منشاء افغانستان و تقویت تعاملات امنیتی و دفاعی بوده است. در پاسخ به این وضعیت کشورهای آسیای مرکزی که تعاملات نزدیکی با مسکو دارند، از طریق دنبال کردن سیاست خارجی چندوجهی<sup>۱</sup> و درواقع چندجانبه‌گرایی در تلاش بوده‌اند تا به نوعی موازنه در مقابل با این رویکرد امنیتی‌سازی اوراسیایی روسیه دست یابند (Kassenova, 2023:22). این رویکرد یکی از وجوه بارز نظم امنیتی منطقه‌ای آسیای مرکزی بعد از سال ۲۰۲۱ بوده است.

#### ۴. ملاحظات راهبردی جمهوری اسلامی ایران

آسیای مرکزی یکی از مناطق پیرامونی جمهوری اسلامی ایران است که به دلیل اشتراکات فرهنگی، تاریخی، تمدنی و پیوند ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیکی در حوزه همسایگی ایران نیز ارزیابی می‌شود. از این حیث هرگونه تغییر و تحول در نظم امنیتی این منطقه به دلیل پیوند با محیط پیرامونی (شامل جمهوری اسلامی ایران) و حوزه‌های مشترک پیرامونی نظیر دریای خزر و افغانستان، به طور مستقیم و غیرمستقیم بر منافع امنیتی جمهوری اسلامی ایران نیز تأثیر خواهد گذاشت. از این حیث بررسی ملاحظات این تغییرات از منظر منافع ملی جمهوری اسلامی ایران حائز اهمیت خواهد بود.

---

<sup>۱</sup>. Multi Vector Foreign Policy

نخست، تشدید وضعیت مجموعه امنیتی قدرت بزرگ در آسیای مرکزی به‌ویژه با افزایش توجه غرب به آسیای مرکزی و تشدید حساسیت‌های روسیه نسبت به تحرکات غرب، در میان مدت می‌تواند به افزایش بی‌ثباتی در این منطقه منجر شود. از این حیث بی‌ثباتی در آسیای مرکزی می‌تواند مهم‌ترین منفعت امنیتی ایران در قبال این منطقه را تهدید کرده و منجر به افزایش هزینه‌های امنیتی ایران شود. در حال حاضر منطقه آسیای مرکزی در شمال شرق جزو حوزه‌های امن و باثبات در محیط پیرامونی ایران محسوب می‌شود. از طرف دیگر تشدید رقابت میان قدرت‌های بزرگ در این منطقه و صرف منابع قابل توجه ملموس و ناملموس در این منطقه، فضا را برای بازیگری قدرت‌های منطقه‌ای با منابع محدودتر، تنگ‌تر می‌کند. دوم، برونداد رفتاری این وضعیت به‌ویژه در مقابل امنیتی‌سازی اوراسیایی که از سوی روسیه در پیش گرفته شده، چندجانبه‌گرایی و توازن از سوی کشورهای آسیای مرکزی است. این رویکرد به‌ویژه با گرایش بیشتر این کشورها به سمت قدرت‌های منطقه‌ای برای افزایش قابلیت موازنه‌ای و کاهش پیچیدگی‌های موازنه میان قدرت‌های بزرگ، یک مزیت راهبردی برای جمهوری اسلامی ایران محسوب می‌شود. اتخاذ سیاست راهبردی همسایگی در قبال این مناطق در چنین رویکردی می‌تواند متضمن منافع و فرصت‌های بیشتر باشد. مدل رفتاری این رویکرد می‌بایست مبتنی بر رویکردهای موسع امنیتی نظیر مکتب کپنهاگ متمرکز باشد.

سوم، گذار ژئواکونومیک در آسیای مرکزی با هدف خروج از بن‌بست ژئواکونومیکی ناشی از محصور بودن در خشکی<sup>۱</sup> و به‌عنوان یک مؤلفه از تضمین امنیت اقتصادی می‌تواند متضمن فرصت‌هایی برای جمهوری اسلامی ایران باشد. درحالی‌که مسیر شرقی به چین عملاً و صرفاً برای چین مورد استفاده قرار گرفته، مسیر جنوبی از افغانستان هیچ چشم‌انداز روشنی در زیرساخت‌ها و امنیت ندارد و مسیر شمالی از روسیه با مسئله تحریم مواجه است، مسیر جنوب غربی از ایران در کنار مسیر غربی (کریدور میانی با عبور از دریای خزر و قفقاز جنوبی) دو گذرگاه راهبردی برای آسیای مرکزی محسوب می‌شود. محدودیت ظرفیت کریدور غربی و تلاش آسیای مرکزی برای متنوع‌سازی مسیرهای ژئواکونومیکی عاملی است که برای ایران یک مزیت محسوب می‌شود. در صورت تمرکز بر این حوزه ایران در میان‌مدت می‌تواند یک هاب جدی برای ترانزیت کالا و به‌ویژه ترانزیت انرژی آسیای مرکزی تبدیل شده و پیوست‌های امنیتی آن را نیز اجرایی کند.

چهارم، افزایش تمرکز کشورهای آسیای مرکزی بر امنیتی‌سازی در حوزه محیط زیست در صورتی که در مسیرهای واقعی و تخصصی پیش برود، یک مزیت راهبردی در سطح

<sup>۱</sup>. Land Lock

منطقه‌ای و بین منطقه‌ای محسوب می‌شود. این منطقه در شرف تأثیرپذیری از بحران‌های زیست‌محیطی بین منطقه‌ای و تأثیرگذاری متقابل بر مناطق پیرامونی است. بحران آب در این منطقه به وضوح ارتباط مستقیمی با موقعیت اقلیمی در ایران و افغانستان خواهد داشت. در موضوعاتی نظیر بحران ریزگردها در طول سال‌های اخیر شاهد ظهور برخی کانون‌های جدید در آسیای مرکزی بوده‌ایم که مناطق شمال شرق ایران را نیز تحت تأثیر قرار داده‌اند. تمرکز بر امنیتی‌سازی در چنین موضوعاتی می‌تواند بسترساز همکاری‌های امنیتی ایجابی در حوزه‌های مرتبط بوده و در میان مدت چارچوب‌های همکاری جدیدی را به وجود آورد.

### نتیجه‌گیری

آسیای مرکزی بعد از فروپاشی شوروی دو نظم امنیتی را تجربه کرده است. در دوره نخست که متناظر با دهه ۱۹۹۰ و تحت تأثیر دوره تثبیت استقلال است، این کشورها به شدت متأثر از میراث اتحاد جماهیر شوروی و به‌ویژه رویکردهای دوره جنگ سرد نظم امنیتی سختی را حاکم کردند. با این حال با تثبیت وضعیت دولت‌ها و به‌ویژه پس از حمله آمریکا و ائتلاف بین‌المللی به افغانستان که استقرار نظامی آمریکا در آسیای مرکزی را در بر داشت، این نظم امنیتی شکست و دوره دوم آغاز شد. در این دوره رویکردهای نرم‌تری در امنیت حاکم شد که به طور ویژه با مشارکت آمریکا بر آسیای جنوبی تمرکز داشت. با وقوع و گسترش انقلاب رنگی در قرقیزستان، خروج آمریکا از ازبکستان و سپس قرقیزستان و در عین حال بازیابی قوای روسیه به‌ویژه در هشت ساله دوم ریاست جمهوری ولادیمیر پوتین از سال ۲۰۱۲، این نظم نیز به مرور رو به افول نهاد. در این شرایط تحت تأثیر تحولات جدیدی شاهد شکل‌گیری نظم امنیتی جدیدی در این منطقه هستیم.

این نظم متأثر از متغیرهای مختلفی شکل گرفته که در قالب رویکردهای موسع امنیتی مکتب کپنهاگ به خوبی قابلیت تحلیل و تبیین دارد. تثبیت موقعیت طالبان در افغانستان از سال ۲۰۲۱ نخستین فاکتور تأثیرگذار و مهم‌ترین کاتالیزور برای گذار به نظم جدید محسوب می‌شود. کشورهای منطقه با پذیرش طالبان به‌عنوان یک واقعیت اجتناب‌ناپذیر در حال بازتعریف نظم امنیتی متأثر از مرزهای جنوبی هستند. دومین فاکتور تأثیرگذار جنگ اوکراین است که از طریق افزایش پولاریزاسیون بین قدرت‌های بزرگ بر وضعیت امنیتی آسیای مرکزی تأثیرات عمیقی گذاشته و به‌عنوان دومین کاتالیزور محسوب می‌شود. سه فاکتور دیگر که وجوه ایجابی‌تری دارند در طول یک بازه طولانی‌تر تقریباً ۱۰ساله شکل

گرفته‌اند. آسیای مرکزی با هدف خروج از محدودیت‌های ناشی از محصور بودن در خشکی یک گذار ژئواکونومیک را در پیش گرفته که به‌عنوان یک فاکتور امنیتی تلقی می‌گردد. این کشورها همچنین در مواجهه با اولین پیامدهای جدی زیست‌محیطی، رویکردهای جدیدی را در دستور کار قرار داده‌اند که در مسائلی نظیر بحران خشک شدن دریاچه آرال با یک روند امنیتی‌سازی همراه بوده است. تبعات بین‌المللی خشک‌شدن آن و علل و عوامل بین‌المللی خشک‌شدن این دریاچه نظیر برداشت از رودهای کلیدی که به این دریاچه می‌ریزند و وجوه هیدروپلیتیک در روابط دولت‌های منطقه از وجوه مختلف تأثیرگذاری این عامل محسوب می‌شوند. در نهایت حضور نسل جدید رهبران در این کشورها در طول سال‌های اخیر شرایط جدیدی را در سطوح فردی به وجود آورده که در پیوند با شرایط اجتماعی (از منظر مکتب کپنهاگ) حائز اهمیت تلقی می‌شود.

این متغیرها سه ویژگی جدید را در نظم امنیتی آسیای مرکزی اعمال کرده‌اند. نخست، فرایند امنیتی‌سازی سنتی که در رژیم‌های سیاسی اقتدارگرا و بسته در چارچوب‌های مضیقی صورت می‌گرفت، در نظم جدید مبتنی بر رویکردهای موسع امنیتی در چارچوب‌های مدرن‌تری انجام می‌گیرد. نسل جدید رهبران موضوعات اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و هویتی، و حتی زیست‌محیطی را در فرایندهای گفتمانی و نه با تأکید صرف بر کنش‌های رفتاری امنیتی‌سازی کرده‌اند. دوم، آسیای مرکزی که در طول دو دهه پس از استقلال درصدد تبدیل شدن به یک مجموعه امنیتی منطقه‌ای استاندارد با تقویت استقلال از قدرت‌های بزرگ و ظهور قطب‌های منطقه‌ای نظیر ازبکستان و قزاقستان بود، در شرایط جدید با وضعیت تشدید شده‌ای به‌عنوان یک مجموعه امنیتی قدرت‌های بزرگ مواجه شده است. این امر به‌واسطه تشدید رقابت میان قدرت‌های بزرگ روی داده و شرایط بازیگری مستقل قدرت‌های منطقه‌ای را محدود کرده است و سوم، این کشورها در مقابل روند امنیتی‌سازی اوراسیایی که از سوی روسیه در پیش گرفته شده، تلاش کرده‌اند تا با اتخاذ یک سیاست خارجی چندجانبه‌گرا، اثرات موازنه‌ای بیشتری را فراهم آورند.

این برون‌داده‌ها طبیعتاً به دلیل ملاحظات همسایگی و مجاورت جغرافیایی و درعین حال پیوند ژئوپلیتیکی متقابل با این منطقه، تأثیراتی را بر محیط و منافع امنیتی جمهوری اسلامی ایران خواهد داشت. نخست، تشدید وضعیت مجموعه امنیتی قدرت‌های بزرگ نظیر روسیه، چین، آمریکا و اتحادیه اروپا در آسیای مرکزی احتمال بی‌ثباتی را افزایش داده و شرایط را برای بازیگری قدرت‌های منطقه‌ای همچون ایران محدود می‌سازد و این امر

تخصیص منابع بیشتر برای این منطقه را ایجاب می‌کند. با این حال چندجانبه‌گرایی حاصل در مدل رفتاری کشورهای این منطقه می‌تواند متضمن فرصت‌هایی برای جمهوری اسلامی ایران باشد. این وضعیت می‌تواند یک خلاء در سطوح کارکردی، ژئواکونومیک، ژئوپلیتیکی و حتی فرهنگی به وجود بیاورد که بخشی از آن از طریق ایران قابلیت پر شدن دارد. در عین حال در فضای چندجانبه‌گرایی شکل گرفته حساسیت‌ها نسبت به توسعه روابط با ایران کمتر شده و بستر مناسب‌تری برای توسعه روابط دو و چندجانبه با ایران به وجود آمده است. در سطح ژئواکونومی، گذاری که به واسطه تحولات بعد از سال ۲۰۲۱ تشدید شده موقعیت ایران را به عنوان یک هاب ژئواکونومیک برای آسیای مرکزی تقویت کرده است و در نهایت در حوزه محیط زیست، رویکرد امنیتی‌سازی کشورهای آسیای مرکزی می‌تواند بستری برای رویکردهای مشترک به پدیده‌های زیست‌محیطی بین منطقه‌ای به ویژه باتوجه به مسائل مرتبط با بحران آب و هجوم ریزگردها ایجاد کند.

## منابع و مأخذ

### فارسی

- ابراهیمی، نبی‌اله (۱۳۸۶) تأملی بر مبانی و فرهنگ مکتب کپنهاگ، فصلنامه سیاست خارجی، دوره ۲۱، شماره ۲.
- زارع‌زاده ابرقویی، رسول (۱۳۹۶) نگاه کپنهاگی به امنیتی‌سازی: مبانی و چالشها، فصلنامه آفاق امنیت، دوره ۱۰، شماره ۳۶.
- سلیمی، حسین، دولت‌تاری، کیخسرو (۱۳۹۶) نقد کتاب طراحی پژوهش‌های اجتماعی: منطق پیش‌بینی، پژوهش‌نامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی، دوره ۱۷، شماره ۸، صص ۲۴۱-۲۱۹.
- عبداله‌خانی، علی (۱۳۸۹) «نظریه‌های امنیت»، چاپ دوم، تهران: انتشارات ابرار معاصر.
- نجفی، سجاد، اجتهادی، سیدعلی (۱۴۰۲) تعیین عوامل تأثیرگذار بر روابط ایران و عراق بر مبنای نظریه پیوستگی جیمز روزنا، پژوهش‌های جغرافیای انسانی، دوره ۵۵، شماره ۲، JHGR.2022.338129.1008446/10.22059

### لاتین

- Aben, Dauren (2019) Regional Security In Central Asia: Addressing Existing And Potential Threats And Challenges, **Eurasian Research Journal**, Vol. 1, No. 1.
- Bespalyy, Sergey (2023) Transport Infrastructure of the Countries of Central Asia: State and Development Trends, **Transportation Research Procedia**, Vol. 68, <https://doi.org/10.1016/j.trpro.2023.02.106>.
- Cafruny, Alan, et al (2023) Ukraine, Multipolarity and the Crisis of Grand Strategies, **Journal of Balkan and Near Eastern Studies**, Vol. 25, No. 1,

- <https://doi.org/10.1080/19448953.2022.2084881>.
- Davis, Douglas, Slobodchikoff, Michael (2023) Great power competition following the Ukraine war, in Farhadi, Mark Grzegorzewski, Anthony J. Masys, **“The Great Power Competition Volume 5”**, London: Springer.
- Farhadi, Adib (2021) Conceptualizing the Great Power Competition and U.S. Geoeconomic Strategy for the Central and South Asia (CASA) Region, In Adib Farhadi & Anthony J. Masys, **“The Great Power Competition Volume 1: Regional Perspectives on Peace and Security”**, London: Springer.
- Giommoni, Francesco (2022) THE SECURITIZATION AND THE REVIVAL OF EURASIANISM IN CONTEMPORARY EURASIA, **Al-Farabi Journal**, Vol. 78, No. 2, <https://doi.org/10.48010/2022.2/1999-5911.09>.
- Gupta, Archana (2020) Shrinking of Aral Sea: an environmental disaster in Central Asia, *International Journal of Humanities, Arts and Social Sciences*, Vol. 6, No. 4, <https://dx.doi.org/10.20469/ijhss.6.20003-4>.
- Hamdani, Arif Umar, Tanto, Trisnowati (2023) Us Representation In **“Remarks By President Biden On The Drawdown Of Us Army In Afghanistan”**, *Metahumaniora*, Vol. 13, No. 2, <https://doi.org/10.24198/metahumaniora.v13i2.46570>.
- Howiea, Peter, Yesdauletovb, Ilyas, Dyussenovc, Yerzhan (2020) **Support for nuclear power in Central Asia: examining historical and spatial separation, Post-Communist Economies**, Vol. 32, No. 7, <https://doi.org/10.1080/14631377.2020.1722581>.
- Huasheng, Zhao (2023) **Central Asia in Change amid the New Great Game, Russia In Global Affairs**, Vol. 21, No. 4, DOI: 10.31278/1810-6374-2023-21-4-138-148.
- Hunter, Shireen (2001) Religion, Politics, and Security in Central Asia, **SAIS Review**, Vol. 21, No.2.
- Kassenova, Nargis (2023) **Central Asia's Balancing Act, Asia Policy**, Vol. 18, No. 2, <https://doi.org/10.1353/asp.2023.0017>.
- Maulida, Anisha (2023) The impact of US withdrawal from Afghanistan: Pakistan and China, in Neeraj Singh Manhas, **“Analysing the Current Afghan Context”**, New York: Rutledge.
- Namatbekova, Nurzat, Saliev, Kalyynur (2021) **Foreign policy of Kyrgyzstan between Russia and the United States, Linguistics and Culture Review**, Vol. 5, No. 4, <https://doi.org/10.21744/lingcure.v5nS4.1770>.
- Nasimov, Sunnatillo (2022) The Situation In Afghanistan After The Withdrawal Of US troops And Its Impact On Regional Security, **International Journal Of Social Science & Interdisciplinary Research**, Vol. 11, No. 5.
- Pantucci, Raffaello (2023) Central Asia among giants: taking a leaf from ASEAN, *RSIS Commentaries*, No. 81.
- Shukuralieva, Nartsiss, Lipiński, Artur (2021) Islamic Extremism And Terrorism In Central Asia: A Critical Analysis, **Central Asia And The Caucasus**, Vol. 22, No. 1, <https://doi.org/10.37178/ca-c.21.1.10>.
- Stritzel, Holger (2014) Securitization Theory and the Copenhagen School, in Holger Stritzel, **“Security in Translation: Securitization Theory and the Localization of Threat”**, London: Springer.